

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قِیم
سال هفتم (۱۳۹۶)، شماره هفدهم

تبارشناسی منابع روایات اعتقادی الکافی

اسماعیل اثباتی^۱

سید کاظم طباطبایی^۲

چکیده

یکی از پرسش های مهم درباره جوامع روایی متقدم، منابع شفاهی و مکتوبی است که این کتاب ها از آن ها پدید آمده است. از این رو، درباره کافی این پرسش پیش روی حدیث پژوهان قرار دارد که کلینی در تالیف کتابش از چه منابعی بهره برده است. با ژرفکاوی در اسانیدروایات کافی و مطالعه رد پای می توان گفت کلینی با وجود آنکه بخش بزرگی از روایات کتابش را از آثار و مرویات محدثان مکتب قم آخذ کرده است، اما در عین حال از روایات افرادی چون سهل بن زیاد و محمد بن عیسی عبیدی که در نگاه محدثان مکتب قم چهره های موجه و محبوبی به شمار نمی روند بسیار بهره برده است. او همچنین از منابعی استفاده کرده است که نزد محدثان قم و حتی محدثان و رجال شناسان بغداد منابعی غیر قابل اعتماد و متمایل به غلو به شمار می روند. سبب چنین کاری شاید به تفاوت نگاه او به مسأله غلو باز گردد. همچنین او با اینکه انتقاد هایی نسبت به دو جریان فکری هشام بن سالم و هشام بن حکم داشته است، اما از آثار هر دو جریان بهره برده است.

او حتی خود را بی نیاز از منابع روایی عامه نمی دانسته است. به همین سبب از کتاب های حفص بن غیاث و سفیان بن عیینه نیز استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، مکاتب حدیثی شیعه، جریان های فکری امامیه.

۱. دانش آموخته دکتری دانشگاه فردوسی مشهد / ssbati1350@gmail.com

۲. استاد دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) / tabatabaei@ferdowsi.um.ac.ir

۱- مقدمه

شیخ کلینی، شخصیت برجسته حدیث شیعه و از نویسندگان کتب اربعه است. الکافی کلینی به واسطه نقل روایات اعتقادی، ذکر معنعن روایات و همچنین آوردن سند روایات به صورت یکجا و همراه با روایت، متمایز از سایر کتب اربعه است. ویژگی‌های متمایز الکافی اگرچه مزایایی را برای آن ایجاد کرده است اما شناخت منابع و مستندات مورداستفاده کلینی را دشوار کرده است؛ زیرا برخلاف شیخ صدوق و شیخ طوسی، کلینی نه در مقدمه خود منابعش را معرفی کرده است و نه دارای بخشی مجزا به نام مشیخه است. با این حال پی بردن به منابع مورداستفاده کلینی غیرممکن نیست و از طریق کنار هم نهادن سندهای تکراری وی، مقایسه سندهای تکراری با اسناد صاحبان فهرست به کتاب‌های افراد موجود در سند، دقت در مضمون روایات نقل شده از یک شخص و مقایسه آن با نام کتاب‌های راوی و همچنین دقت در روایات نقل شده به صورت متوالی می‌توان تا حدی در شناخت این منابع گام برداشت.

در زمینه شناخت منابع الکافی مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است. از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله منابع کافی به قلم شبیری زنجانی اشاره کرد. این مقاله در نرم‌افزار درایه النور مورداستفاده قرار گرفته است. مقاله بعدی بازنشاسی منابع کلینی در تدوین کافی است. این مقاله نوشته عبدالرضا حمادی و سید علیرضا حسینی است. ایشان در مقاله خود توانسته‌اند برخی از منابع الکافی را معرفی کنند و وابستگی آن‌ها را به حوزه‌های حدیثی قم، ری، خراسان و عراق تا حدی مشخص نمایند (حمادی و حسینی، ۱۳۹۳). حمادی در مقاله دیگر خود که با همکاری سید کاظم طباطبایی ارائه نموده است به بررسی رابطه کافی و گفتمان حدیثی مطرح در قم اشاره کرده است (حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱). رضا قربانی زرین نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به موضوع بازنشاسی منابع الکافی و تأثیر آن بر اعتبار سندی روایات پرداخته است. علاوه بر آثار پیش گفته، نویسنده همین مقاله در آثاری مجزا منابع داده‌های تاریخی و منابع تفسیری الکافی را بازنشاسانده است (اثباتی و طباطبایی، ۱۳۹۳/ اثباتی و رستمی، ۱۳۹۴). در رساله دکتری نگارنده نیز منابع احتمالی شیخ کلینی در زمینه روایات اعتقادی بررسی گردیده است (اثباتی، ۱۳۹۴). بر اساس پیشینه‌ای که بیان شد می‌توان فهمید که تاکنون کارهای ارزشمندی در راستای معرفی منابع احتمالی شیخ کلینی انجام شده است و بخشی از آنچه در این نوشته ارائه می‌شود بر پایه تلاش‌های صورت گرفته است. همچنین سعی شده در مواردی که مطلبی قبلاً بررسی شده است کمتر به آن پرداخته شود، اما برای جلوگیری از ناقص شدن بحث و کمک به نتیجه‌گیری بهتر به ناچار برخی از موارد به صورت مختصر ذکر شده است.

پس از شناخت منابع احتمالی شیخ کلینی باید به دسته‌بندی آن منابع اقدام کرد تا وابستگی شیخ کلینی به جریان‌های فکری گوناگون و مکاتب حدیثی متعدد مشخص شود. این مسأله به شناخت مسافرت‌های احتمالی و گرایش‌های وی و اعتبار سنجی روایات کافی بر پایه اعتبار منابع آن کمک خواهد کرد.

در این نوشتار از سه منظر به تقسیم‌بندی منابع کتابخانه کلینی اقدام شده است. ابتدا از نگاه جغرافیایی منابع از حیث وابستگی به حوزه‌ها و مکاتب حدیثی تقسیم‌بندی شده‌اند. بر این اساس می‌توان استنباط کرد که بخش زیادی از روایات شیخ کلینی از مشایخ قمی وی اخذ شده است؛ علاوه بر قم بخشی از میراث حدیثی ری نیز در کتاب کافی منعکس شده است. حوزه خراسان و عراق نیز در شکل‌گیری کافی نقش قابل توجهی داشته است. هرچند بیشترین روایات کافی توسط راویان قمی در اختیار شیخ کلینی قرار گرفته است اما بخش قابل توجهی از این راویان در حقیقت طریق و راه دسترسی شیخ کلینی به منابع مدارس دیگر مانند کوفه و بصره بوده است که به وسیله راویان قمی نقل شده است.

پس از تعیین موقعیت جغرافیایی در گام بعدی به تعیین وابستگی منابع پیش گفته به جریان‌های فکری گوناگون پرداخته می‌شود. چنان‌که می‌دانیم جریانی در قم به رهبری احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی حضور داشته است که به شدت با روایت‌های غالیانه و راویان متساهل برخورد می‌کرده است تا جایی که راویان آن حتی از قم اخراج شدند. جدای از این جریان، راویان جریان هشام بن حکم و پیروان هشام بن سالم و همفکرانش نیز اختلافاتی باهم داشتند که گاه این اختلاف‌نظرها به محضر امامان نیز عرضه می‌شد. علاوه بر این جریان‌های فکری جریان غالیان و گروه‌های متمایل به غلات و مفوضه نیز در جامعه حدیثی شیعه به شدت فعال بودند و منابعی را به وجود آوردند. نحوه مواجهه شیخ کلینی با این جریان‌ها و بررسی گرایش‌های احتمالی او نیز درخور پژوهش و بررسی است که در مقاله بدان پرداخته شده است. در پایان مقاله نیز اشاره‌ای به منابع اهل سنت شده و مواجهه شیخ کلینی با میراث حدیثی اهل سنت بررسی شده است.

در سراسر بحث، بر منابع و روایات اعتقادی شیخ کلینی تکیه شده است و از ذکر نام افراد، کتاب‌ها و منابعی که ارتباطی به روایات اعتقادی نداشته‌اند پرهیز شده. با این حال، روایات برخی افراد و کتاب‌ها در تمام مباحث و ابواب کافی پراکنده است که با توجه به اشمال آن‌ها به مباحث اعتقادی به یادکرد آن‌ها پرداخته‌ایم. کتاب‌های النواذر در این زمره‌اند. برخی عناوین نیز شاید در

ابتدا بی‌ارتباط با مباحث اعتقادی تلقی شود اما محتوای روایات آن‌ها شامل مباحث اعتقادی است مانند کتاب‌های تفسیری که بسیاری از مباحث آن‌ها شامل تفسیر و تأویل آیاتی از قرآن در شأن اهل بیت (ع) است و یا بسیاری از کتاب‌هایی که عنوان تاریخی دارند اما از آنجاکه روایات آن‌ها به زندگی امامان، معجزات آن‌ها و دلایل امامت آن‌ها پرداخته است در زمره منابع روایات اعتقادی نیز به شمار می‌روند.

۲- منابع مکاتب و حوزه‌های حدیثی

شیخ کلینی در تدوین الکافی از منابع حوزه‌های حدیثی گوناگون بهره برده است. در ادامه به برخی از این منابع اشاره می‌شود.

۲-۱- حوزه قم

۲-۱-۱- النوادر، التوحید و الاظله احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی

مکتب قم^۱ به سختگیری در نقل حدیث مشهور است. چهره برجسته این جریان احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. شیخ کلینی از طریق عده‌ای از اصحابش کتاب‌های وی را روایت کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶، صص ۸۱ - ۸۳) و با واسطه همین عده، روایات او را در کافی نقل کرده است. این کار نشان‌دهنده استفاده کلینی از کتاب‌های اوست. کتاب‌های احمد بن محمد بن عیسی اشعری مانند النوادر، التوحید و الاظله از جمله مهم‌ترین منابع شیخ کلینی است. روایات اشعری در بیشتر ابواب و کتاب‌های کافی به‌وفور یافت می‌شود. احتمالاً این احادیث از کتاب النوادر اشعری اخذ شده است.^۲ کتاب النوادر اشعری در زمره منابع تهذیب الاحکام هم به شمار می‌رود (صفاحواه، ۱۳۸۰، صص ۳۳۰ - ۳۳۲).

شیخ کلینی روایاتی را در کتاب التوحید از اشعری نقل می‌کند که به نظر می‌رسد این روایات مربوط به کتاب التوحید وی بوده‌اند. برخی از این روایات با واسطه عده کلینی نقل شده‌اند (برای نمونه رک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۸۱، ۸۵، ۸۸، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۶ تا ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۲۸، ۱۳۲). در ابواب مربوط به فطرت و عالم ذر در کتاب الایمان و الکفر الکافی حدود ۱۰ روایت از وی آمده است که یا از کتاب النوادر و یا کتاب الاظله وی نقل شده است.

۱. وقتی از کلمه حوزه حدیثی استفاده می‌شود بیشتر به موقعیت جغرافیایی توجه شده است تا طرز فکر، برخلاف مکتب و مدرسه.

۲. بر اساس جستجوی ساده بیش از ۱۰۰۰ بار نام وی در کافی آمده است.

۲-۱-۲- بصائر الدرجات صفار قمی

کتاب بصائر الدرجات درباره مناقب و علوم اهل بیت است. این کتاب شباهت بسیاری به کتاب الحجج کافی دارد. این شباهت در عناوین ابواب و احادیث ابواب مشهود است (شیری زنجانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸). شیخ کلینی علاوه بر نقل روایات بسیار از بصائر الدرجات صفار (برای نمونه قس: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۷ با صفار، ۱۳۶۲، ص ۵۰۶، ح ۱۳؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۸۰ با صفار، ۱۳۶۲، ص ۵۰۷، ح ۲؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۹۸ با صفار، ۱۳۶۲، ص ۴۳۵، ح ۳ و ص ۴۳۶، ح ۱۰) در نام گذاری ابواب کتاب الحجج و چینش روایات این ابواب نیز به شدت از این کتاب تأثیر پذیرفته است (برای مقایسه بین ابواب کتاب الحجج با بصائر رک: حسین پوری، ۱۳۸۷، صص ۳۹ - ۴۵).

۲-۱-۳- کتاب های علی بن ابراهیم قمی

شیخ کلینی روایات متعددی را از طریق علی بن ابراهیم به صورت مرفوع نقل کرده است. ابتدای این متون به صورت «علی بن ابراهیم رفعه عن...» است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۹، ج ۲، ص ۱۶، ۱۱۹، ج ۳، ص ۱۶، ج ۷، ص ۵، ج ۸، ص ۳۹۵). این نقل ها که به وفور در کافی یافت می شوند به احتمال زیاد از کتاب های علی بن ابراهیم است و چون علی بن ابراهیم متن را به صورت مرسل در کتابش ذکر کرده است کلینی نیز احادیث را به همان صورت نقل کرده است.

۲-۱-۴- النوادر حسین بن محمد بن عمران اشعری قمی

حسین بن محمد بن عمران اشعری قمی دارای کتابی با موضوع نوادر بوده است. ابو غالب زراری از طریق محمد بن یعقوب آن کتاب را روایت کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۶۶). کتاب النوادر حسین بن محمد را شیخ طوسی در اختیار داشته و از آن به عنوان یکی از منابع تهذیب الاحکام استفاده کرده است (صفاخواه، ۱۳۸۰، ص ۳۳۹). کلینی نیز کتاب النوادر را در اختیار داشته و آن را روایت کرده است. وی ده روایت را با واسطه حسین بن محمد بن عمران اشعری از سیاری نقل کرده که احتمالاً از کتاب النوادر حسین بن محمد نقل شده اند (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۶۶). شیخ کلینی تنها در یک مورد از حسین بن محمد به طور مستقیم روایت نقل می کند که سند آن بدین شکل است: «الحسین بن محمد الاشعری قال حدثني شيخ من اصحابنا يقال له عبد الله بن رزين قال كنت مجاورا بالمدينة...» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۹۳).

۲-۱-۵- تفسیر ابوطالب عبدالله بن صلت قمی

وی فردی موثق و از اصحاب امام رضا و امام جواد (ع) و صاحب تفسیر است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۱۷/طوسی، ۱۴۱۵، صص ۳۶۰ و ۳۶۷). شیخ کلینی تنها با یک واسطه از طریق محمد بن احمد بن الصلت قمی از عمویش عبدالله الصلت روایات تفسیری را نقل می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۴ و ج ۷، ص ۴ و ج ۸، صص ۲۶۷ و ۳۰۲ و ۳۰۴ و ۳۳۴ حدیث ۵۲۳ و ۵۲۴؛ برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: اثباتی و رستمی، ۱۳۹۴، صص ۱۲۱-۱۲۲).

شیخ کلینی از سایر بزرگان قم مانند محمد بن یحیی عطار، حسین بن محمد بن عامر، احمد بن ادريس، سعد بن عبدالله اشعری و عبدالله بن جعفر حمیری به‌وفور استفاده کرده است (بروجردی، ۱۳۸۷، صص ۷۰، ۸۱، ۸۳، ۸۵). مجموع روایات مشایخ قمی شیخ کلینی ۱۴۸۲۲ روایت است که در مقایسه با ۱۸۸۶۳ سند روایات به‌کاررفته در کافی ۷۸/۵ درصد سندهای کتاب را شامل می‌شود (حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱، صص ۱۰۲ و ۱۰۴)؛ البته باید به این نکته توجه داشت که بخش عظیمی از این روایات میراث حدیثی مدارس سایر حوزه‌ها مانند عراق است که مشایخ قمی شیخ کلینی صرفاً راوی کتاب‌های آن‌ها بوده‌اند. به‌عنوان نمونه علی بن ابراهیم ۵۶۳۰ روایت در کافی دارد که ۸۵ درصد آن‌ها را از پدرش روایت کرده است اما پدرش ابراهیم بن هاشم راوی مشهور و اولین راوی و طریق مهم انتقال کتاب‌ها و احادیث کوفیان به قم است.^۱ از این‌رو نباید روایات علی بن ابراهیم که حدود یک‌سوم روایات کافی است را یکسره به‌حساب مدرسه قم گذاشت بلکه بخش عمده آن روایات و کتاب‌های مدرسه کوفه است که به‌وسیله ابراهیم بن هاشم و فرزندش گزارش شده است (درباره روایات علی بن ابراهیم در کافی نک: حمادی و حسینی، ۱۳۹۳، صص ۱۹۰ - ۱۹۱).

۲-۲- حوزه ری

شیخ کلینی احادیث بسیاری از منابع حدیثی موجود در شهر ری بهره برده است. چهار نفر از بزرگان ری در زمره مشایخ بی‌واسطه کلینی هستند. شیخ کلینی از طریق علی بن محمد کلینی معروف به علان، ۵۰۴ روایت، محمد بن حسن طایی رازی ۱۲۲ روایت، محمد بن جعفر اسدی، ساکن ری ۸۲ روایت و حسین بن حسن حسنی علوی ۹ روایت نقل می‌کند. در مجموع با محاسبه روایات عده رازی کلینی، ۲۲۱۷ روایت یعنی ۱۱/۷ درصد سندهای کافی، رازی هستند.

۱. «اصحابنا یقولون: اول من نشر حدیث الکوفیین بقم هو» (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۶).

علاوه بر این‌ها باید ۵۷ روایت احمد بن مهران را نیز در نظر گرفت که از عبدالعظیم حسنی متوفای در ری روایت می‌کند و گویا از معمر بن و ساکن ری بوده است (حمادی و طباطبائی، ۱۳۹۱، صص ۱۰۲، ۱۰۳ و ۱۰۴)؛ اما جز مشایخ بی‌واسطه، شیخ کلینی از کتاب‌های برخی بزرگان ری که در زمره مشایخ باواسطه او هستند نیز بهره برده است. نکته مهم اینکه عده‌ای از این افراد دارای سوابقی منفی در پرونده حدیثی خود هستند. در زیر برخی از افرادی که اهل ری بوده و کتاب‌ها و روایات آن‌ها در کافی منعکس شده، معرفی می‌شوند.

۲-۲-۱- کتاب النوادر سهل بن زیاد

کتاب‌های سهل بن زیاد رازی از منابع مهم شیخ کلینی است. وی به‌وسیله احمد بن محمد بن عیسی اشعری از قم اخراج و در ری ساکن شد (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۵/همچنین نک: ابن غضائری، ۱۳۸۰، صص ۶۶ و ۱۲۵). نجاشی النوادر سهل را از طریق شیخ کلینی از علی بن محمد از سهل روایت کرده و می‌نویسد: جماعتی این کتاب را نقل کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۵). این جماعت احتمالاً همان عده کلینی هستند (محفوظ، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸). باینکه سهل در قم چهره محبوبی ندارد ولی شیخ کلینی به او اعتماد کرده و بیش از ۱۵۰۰ روایت از سهل بن زیاد نقل می‌کند که در تمام ابواب و کتب کافی پراکنده‌اند. این روایات احتمالاً از النوادر سهل نقل شده‌اند.

۲-۲-۲- وفاة النبی (ص)، مقتل الحسین (ع) و تفسیر یاسین سلمه بن خطاب

سلمه بن خطاب براوستانی ازدورقانی در امر حدیث فردی ضعیف به شمار می‌رود (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۷۸/ ابن غضائری، ۱۳۸۰، ص ۶۷). دو روایت در باب مولد النبی (ص) (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۵۰ و ۴۵۱) و چهار روایت پشت سر هم در باب التعزی درباره وفات پیامبر (ص) با سند محمد بن یحیی از سلمه بن خطاب نقل شده است که احتمالاً از کتاب وفاة النبی (ص) او بوده است (همان، ج ۳، صص ۲۲۱-۲۲۲، ح ۵ - ۸). سلمه روایتی را هم درباره زیارت قبر امام حسین (ع) نقل می‌کند که احتمالاً از کتاب مقتل الحسین (ع) او برگرفته است (همان، ج ۴، ص ۵۹۸).

روایات تفسیری سلمه در کافی ده مورد است که موضوع آنها تأویل آیات بر اهل بیت، ولایت و پیروی از امامان است. از آنجا که نام کتاب وی تفسیر یاسین است و تنها ۴ آیه از سوره یس در کافی و در روایات سلمه تفسیر شده است (همان، ج ۱، صص ۴۳۱ - ۴۳۲) بنابراین بقیه روایات

تفسیری وی را باید از سایر کتاب‌های او بدانیم یا فرض کنیم که تفسیر یاسین او منحصر در تفسیر سوره یاسین نبوده است و منظور از یس چیزی غیر از سوره یاسین است.

۲-۲-۳- کتاب فضل سوره انا انزلناه حسن بن عباس بن حریش رازی

وی فردی ضعیف است که از امام جواد (ع) روایت می‌کند. نجاشی درباره کتابش می‌نویسد: «ردیء الحدیث، مضطرب الالفاظ» (نجاشی، ۱۴۱۶، صص ۶۰ و ۶۱). کتاب فضل سوره انا انزلناه از آثار وی است که روایات آن در بابی نزدیک به همین عنوان در کافی منعکس شده است (برای مشاهده این روایات نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۲۴۲-۲۵۳/ همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر نک: نجاشی، ۱۴۱۶، صص ۶۰ و ۶۱/ پاکتچی، ۱۳۸۹، صص ۱۷۹-۱۸۰/ مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳، صص ۲۲۰-۲۲۱/ اثباتی و رستمی، ۱۳۹۴، صص ۱۰۳-۱۰۵).

۲-۲-۴- اخبار القائم (عج) علان کلینی

علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی کلینی، معروف به علان، فردی موثق و مورد اعتماد و دایی شیخ کلینی است (همان، صص ۲۶۰ - ۲۶۱ و ۳۷۷) کتاب اخبار القائم (عج) از آثار وی و از منابع مورد استفاده شیخ کلینی است (اثباتی و طباطبایی، ۱۳۹۳، صص ۴۴ - ۴۶).

۲-۲-۵- ثواب القرآن محمد بن حسان رازی زینبی

وی از اصحاب امام هادی (ع) است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۲). ابن غضائری او را به صراحت تضعیف می‌کند (ابن غضائری، ۱۳۸۰، ص ۹۵) اما نجاشی می‌نویسد احادیث او گاه شناخته و گاه منکر است و از ضعف بسیار نقل می‌کند. ثواب القرآن و ثواب انا انزلناه در زمره کتاب‌های او و احمد بن ادریس از جمله راویان کتاب‌های اوست (نجاشی، ۱۴۱۶، ۳۳۸/ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۴). شیخ کلینی نزدیک به ۳۰ روایت از وی در کافی نقل کرده است که ۹ مورد آن در جلد اول است. تقریباً تمام این روایات را احمد بن ادریس نقل کرده است (به‌عنوان نمونه نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۱، ۳۳، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۵۸، ۴۱۸، ۴۹۲، ۴۹۷؛ همچنین درباره استفاده شیخ کلینی از این کتاب نک: اثباتی و رستمی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۰-۱۱۱).

۲-۲-۶- کتاب التوحید محمد بن اسماعیل برمکی رازی

ابوعبدالله، محمد بن اسماعیل بن احمد بن بشیر البرمکی، معروف به صاحب الصومعه با آنکه از اهالی قم نبود، ولی در قم ساکن شده بود. وی فردی مورد اعتماد و صاحب کتاب‌هایی است

که نجاشی تنها از کتاب التوحید او نام می‌برد. محمد بن جعفر اسدی راوی این کتاب است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۴۱). شیخ کلینی روایاتی در کتاب التوحید از محمد بن ابی‌عبدالله از محمد بن اسماعیل نقل می‌کند که به احتمال زیاد از کتاب التوحید محمد بن اسماعیل است. چون این روایات در سایر ابواب و کتاب‌های کافی به چشم نمی‌خورد و فقط در کتاب التوحید ذکر شده است (نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۷۸، ۸۲، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۴۴) شیخ کلینی از وی با نام محمد بن اسماعیل البرمکی الرازی نام می‌برد که حکایت از سکونت وی در ری دارد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۸).

۲-۲-۷- روایات محمد بن جعفر اسدی رازی

محمد بن جعفر بن محمد بن عون اسدی کوفی، ساکن ری و مشهور به محمد بن ابی‌عبدالله، فردی ثقه و صحیح الحدیث است؛ ولی از ضعف روایت می‌کند (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۷۳). شیخ طوسی وی را رازی و یکی از ابواب حضرت مهدی (عج) دانسته است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۳۹). وی متهم به جبر و تشبیه بود و کتاب‌هایی از جمله کتاب الجبر و الاستطاعه^۱ داشته است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۷۳). وی از مشایخ شیخ کلینی است و در اسناد روایات کافی در اول سند قرار می‌گیرد (محفوظ، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷). به نظر می‌رسد کلینی از طریق او کتاب‌های محمد بن اسماعیل برمکی رازی، اسحاق بن محمد نخعی و سهل بن زیاد را نقل کرده است که در همین نوشتار به آن‌ها اشاره شد.

۲-۲-۸- کتاب عبدالعظیم بن عبدالله حسنی

نجاشی وی را صاحب کتاب خطب امیرالمؤمنین (ع) می‌داند (نجاشی، ۱۴۱۶، صص ۲۴۷-۲۴۸). او جریان ورود ایشان به ری و زندگی و وفاتش را از برقی روایت کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶، صص ۲۴۷-۲۴۸). شیخ طوسی وی را صاحب کتابی دانسته که از طریق برقی روایت شده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۳). در بخش‌های موجود از کتاب محاسن، برقی بدون واسطه و مستقیماً سه روایت از عبدالعظیم حسنی نقل کرده است (برقی، ۱۳۳۰، ج ۱، صص ۷۸، ۸۸ و ۹۲). شیخ کلینی ۱۵ روایت از طریق احمد بن مهران از عبدالعظیم حسنی نقل کرده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۱۸، ۱۴۷، ۱۹۵، ۲۰۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۳۹۱، ۴۱۹، ۴۲۳، ح ۵۶-۶۴).

۱. شیخ طوسی نام کتاب را الرد علی اهل الاستطاعه ثبت کرده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۹).

۲-۲-۹- کتاب درجات الایمان و وجوه الکفر و الاستغفار و الجهاد بکر بن صالح

ابن غضائری او را به شدت تضعیف کرده و می نویسد: «ضَعِیفٌ جِدًّا، کَثِیرُ التَّفَرُّدِ بِالْغَرَائِبِ» (ابن غضائری، ۱۳۸۰، ص ۴۴). نجاشی وی را از راویان امام کاظم (ع) و ضعیف دانسته است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۰۹). شیخ طوسی کتاب درجات الایمان و وجوه الکفر و الاستغفار و الجهاد را از آثار وی دانسته است و از طریق ابراهیم بن هاشم از بکر روایت می کند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۸۷). شیخ کلینی در باب فی ان الایمان مبنو لجوارح البدن کلها روایتی طولانی در حد ۳ صفحه از طریق ابراهیم بن هاشم از بکر بن صالح رازی نقل کرده که احتمالاً از همین کتاب گرفته شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۳۳-۳۷). او احتمالاً در نام گذاری باب درجات الایمان (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۲) نیز از این کتاب تأثیر پذیرفته است (برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: حسین پوری، ۱۳۸۷، ص ۲۵). باب وجوه الکفر کافی نیز تنها شامل یک حدیث طولانی از همین کتاب و با همین سند است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۳۸۹-۳۹۱). این سند در کتاب الجهاد نیز آمده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۳).

۲-۲-۱۰- کتاب النوادر صالح بن ابی حماد رازی

وی امام عسکری (ع) را ملاقات کرده است. نجاشی می نویسد: «أَمْرُهُ مُلَبَّسًا (مُلْتَبَسًا)، يُعْرَفُ وَ یُنْکَرُ». او صاحب کتاب النوادر و خطب امیرالمؤمنین (ع) است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۹۸). فضل بن شاذان او را مدح کرده است (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۳۷) ولی ابن غضائری دست به تضعیف او زده (ابن غضائری، ۱۳۸۰، ص ۷۰).

شیخ طوسی نام او را در زمره اصحاب امام جواد و امام عسکری (ع) ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۵، صص ۳۷۶، ۳۹۹). شیخ کلینی بیش از ۵۰ روایت از این شخص از طریق علی بن محمد از صالح روایت کرده است که بیشتر آن ها در ابواب و کتاب های فقهی است؛ اما بیش از ۱۵ مورد آن در جلد اول و دوم الکافی است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۱۲، ۱۳۷، ۳۹۶، ۴۱۰، ۵۲۷، ج ۲، صص ۵، ۱۳۸، ۱۵۷، ۱۶۲).

۲-۳- حوزه عراق

شیخ کلینی به سه طریق روایات عراقیان (کوفه، بصره و بغداد) را در کافی نقل کرده است. در ادامه این سه طریق معرفی می گردند.

۲-۳-۱- استفاده مستقیم از راویان و مشایخ کوفی در عراق

۱- حمید بن زیاد دهقان کوفی، محدثی مورد وثوق است. او واقفی مذهب و از اهالی سورا است. وی در دورانی به نینوی منتقل شد و در سال ۳۱۰ از دنیا رفت. تألیفات بسیاری داشت و اکثر اصول را روایت کرده بود (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۳۲/ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۴). وی در زمره مشایخ کلینی است و ۴۳۵ روایت از وی در کافی گزارش شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۱۴، ۷۵، ۸۷، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۱۱۴/ بروجردی، ۱۳۸۷، ص ۸۲/ همچنین نک: حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

۲- احمد بن محمد بن عاصم کوفی معروف به عاصمی از محدثان مورد اطمینان کوفی است. او بعدها ساکن بغداد شد و از مشایخ کوفی روایت نقل می‌کرد (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۹۳/ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۷۳). شیخ کلینی ۱۳۶ روایت در کوفه یا احتمالاً بغداد از ایشان اخذ کرده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۲۷، ۱۷۷؛ ج ۳، ص ۵۰۵؛ ج ۴، صص ۴۶۵، ۴۷۱؛ ج ۵، صص ۲۹۸، ۳۱۸، ۳۳۷، ۳۹۱، ۳۹۹، ۴۲۸/ همچنین نک: حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

۳- از محمد بن جعفر بن محمد فرشی ابوالعباس کوفی رزاز ۵۷ حدیث در کافی گزارش شده است (بروجردی، ۱۳۸۷، صص ۹۶-۹۵/ همچنین نک: حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

۴- احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده از محدثان بلندآوازه کوفی زیدی و در زمره مشایخ کلینی است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۹۴/ محفوظی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۵). کلینی ۵ روایت را احتمالاً در کوفه و بدون واسطه از او نقل کرده است (به عنوان نمونه نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، صص ۴ و ۳۳۸ و ۵۱۰/ همچنین نک: بروجردی، ۱۳۸۷، ص ۷۴/ حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

۵- ابوالحسن، محمد بن علی بن معمر کوفی صاحب الصبیحی. تلعبیری در سال ۳۲۹ از وی اجازه حدیث گرفته است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۲). شیخ کلینی ۳ روایت از جمله خطبه الوسیله و خطبه الطالوتیه امام علی (ع) را از وی روایت کرده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، صص ۱۸ و ۳۱/ همچنین نک: بروجردی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳).

حبیب بن حسن کوفی و علی بن ابراهیم جوانی هاشمی و حسین بن احمد بن عبدالله اسدی مالکی نیز در زمره مشایخ عراقی کلینی به شمار می‌روند. کلینی در مجموع از مشایخ کوفی خود ۶۴۷ روایت را به صورت مستقیم گزارش کرده است که ۳/۴ درصد اسناد روایات کافی است (حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱، صص ۱۰۲ و ۱۰۴).

۲-۳-۲- استفاده از شاگردان مهاجرت کرده از مدرسه کوفه به قم و ری

۱ - محمد بن جعفر اسدی کوفی اهل کوفه بود. وی بعدها ساکن ری شد. پیش‌تر درباره وی سخن گفتیم.

۲ - ابراهیم بن هاشم کوفی از کوفه به قم مهاجرت کرد. وی اولین فردی است که احادیث کوفیان را در قم منتشر کرد (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۶). کلینی از طریق علی بن ابراهیم از پدرش روایات بسیاری در این زمینه نقل کرده است.

۳ - ابوالقاسم عبدالرحمن بن حماد (ابی حماد) کوفی صیرفی. وی متهم به غلو و ضعف است. او از کوفه به قم مهاجرت کرد. وی صاحب‌خانه احمد بن محمد بن خالد برقی است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۳۸). کلینی روایاتی را از طریق برقی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۲۹؛ ج ۳، ص ۲۴۲؛ ج ۴، ص ۶؛ ج ۵، صص ۷۹ و ۱۵۳) و ابراهیم بن هاشم (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۴۳؛ ج ۴، ص ۵۴۳) از وی نقل کرده است.

۴ - حسین بن سعید اهوازی اصالتاً کوفی بود. وی همراه برادرش حسن به اهواز و سپس به قم رفت و در منزل حسن بن ابان در قم از دنیا رفت. او و برادرش کتاب‌های ثلاثین را تصنیف کردند. این کتب به‌شدت مورد استقبال و استفاده محدثان قرار گرفت (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۲؛ نجاشی، ۱۴۱۶، صص ۵۸-۶۰). نام حسین بن سعید بیش از ۵۰۰ بار در کافی تکرار شده است. کتاب تفسیر وی از جمله منابع کافی است (اثباتی و رستمی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱).

۲-۳-۳- روایات دیگران از احادیث و کتاب‌های مدرسه کوفه، بصره و بغداد

بخش عظیمی از میراث حدیثی این مدارس با واسطه راویان قمی، وارد کتاب کافی شده است. این بخش از روایات کافی در نگاه اول، قمی محسوب می‌شود اما آنجا که این کتاب‌ها در خارج از قم و عمدتاً به‌وسیله راویان عراقی تدوین شده است ارتباط آن‌ها به حوزه عراق بیشتر از قم است. از جمله این منابع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۲-۳-۳-۱- کتاب الامامة ابن مسکان

عبدالله بن مسکان، کتابی در زمینه امامت و کتابی در حلال و حرام دارد که اکثر آن را از محمد بن علی حلبی گرفته است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۱۵). کلینی با سند احمد بن محمد بن عیسی از ابن سنان از کتاب‌های ابن مسکان نقل می‌کند. روایت‌هایی که در موضوعات مربوط به امامت و با این سند نقل شده است از کتاب الامامة اوست. سه روایت در جلد اول و هشت

روایت در جلد دوم کافی احتمالاً از این کتاب ابن مسکان است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۴، ۲۶۴، ۳۹۰؛ ج ۲، صص ۴۵، ۵۴، ۷۱)

۲-۳-۳-۲- کتاب قاسم بن محمد جوهری

قاسم بن محمد جوهری کوفی ساکن بغداد و از امام کاظم (ع) روایت می‌کند. او کتابی دارد که احمد بن محمد بن عیسی از طریق حسین بن سعید از قاسم آن را روایت کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۱۵/همچنین نک: طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۰۱). کلینی با همین سند روایات متعددی را نقل می‌کند. برخی از این روایات مربوط به مسائل اعتقادی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۵۱، ۸۸، ۱۰۸، ۲۱۹، ۲۴۲، ۲۵۵، ۲۹۷، ۴۴۲، ۵۴۶) و برخی دیگر فقهی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، صص ۴، ۷، ۵۲، ۵۴، ۵۹، ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۶۷، ۱۷۷، ۱۸۶) است.

۲-۳-۳-۳- کتاب‌های یونس بن عبدالرحمن

یونس علاوه بر کتاب‌هایی فقهی شبیه ثلاثین حسین بن سعید، کتاب الامامة، کتاب البداء، کتاب الرد علی الغلاة، کتاب یوم و ليله، فضل القرآن و تفسیر القرآن نیز داشته است (نجاشی، ۱۴۱۶، صص ۴۴۷ و ۴۴۸/طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۶). ابن ولید نقل می‌کند که همه روایات یونس صحیح هستند مگر آنچه را محمد بن عیسی بن عبید، منفرد در نقل آن است و دیگران از آن نقل نکرده‌اند (همان، ۱۴۱۶، ص ۲۶۶) اما این سند به صورت «علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی بن عبید از یونس» مورد اعتماد شیخ کلینی بوده و نزدیک به ۳۰۰ روایت در کافی از این طریق نقل شده است (برای مشاهده آمار این روایات نک: بروجردی، ۱۴۱۴، صص ۲۴۸-۲۵۵). در مباحث اعتقادی کافی نیز این سند به وفور دیده می‌شود. از این رو احتمال اینکه کلینی از کتاب الامامة یونس یا سایر کتاب‌های مربوط به مباحث اعتقادی در کافی استفاده کرده باشد زیاد است به ویژه اینکه سندهای تکراری در این بین بسیار به چشم می‌خورد (برای نمونه نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۷۸، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۲۳، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۵۵، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۰۷، ۳۷۸-۳۸۰). از میان روایات نزدیک ۳۰ روایت دارای مضامین تفسیری است که احتمالاً از کتاب تفسیر یونس گرفته شده است (برای نمونه نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۳۶ و ۱۶۳، ۱۸۵، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۷۳؛ ج ۲، صص ۱۲، ۱۵، ۲۴، ۲۷۸، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۴۲، ۴۴۶؛ ج ۳، ص ۳۱۷؛ ج ۷، صص ۱۶۳، ۲۴۱، ۲۴۶؛ ج ۸، ص ۱۰۷).

۲-۳-۳-۴- کتاب بکر بن محمد ازدی

بکر بن محمد ازدی غامدی از خاندان مشهور آل نعیم غامدی در کوفه است. وی از معمرینی است که کتابش به وسیله قمی‌ها روایت شده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۰۸ / طوسی، ۱۴۱۷، ص ۸۷ / همچنین نک: صفاخواه، ۱۳۸۰، ص ۳۳۳). کلینی از طریق حسین بن محمد و محمد بن یحیی از احمد بن اسحاق از بکر بن محمد ازدی روایاتی را نقل کرده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۴۸؛ ج ۲، صص ۱۴۱، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۹۴، ۲۸۹، ۴۰۰، ۵۳۵؛ ج ۳، ص ۲۷۴).

۲-۳-۳-۵- مسائل فتح بن یزید جرجانی

ابو عبدالله فتح بن یزید جرجانی صاحب کتاب المسائل است. این کتاب را محمد بن جعفر از احمد بن ابی عبدالله برقی از فتح آن را برای نجاشی روایت کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۱۱). کتاب المسائل فتح بن یزید از دو طریق به دست شیخ کلینی رسیده است. یکی از طریق محمد بن حسن از عبدالله بن حسن علوی از فتح و دیگری از طریق علی بن ابراهیم از مختار بن محمد بن مختار همدانی. کلینی تمام روایات را با هر دو طریق از فتح روایت می‌کند. بخشی از این روایات درباره مسائل توحیدی و اعتقادی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۸۶، ۱۱۸، ۱۳۷، ۱۵۱) و بخشی درباره مسائل فقهی است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، صص ۴۵۲، ۴۶۴؛ ج ۶، ص ۲۵۸؛ ج ۷، صص ۲۹۴، ۳۰۳، ۳۶۶).

۲-۳-۳-۶- کتاب‌های معلی بن محمد بصری

معلی صاحب کتاب‌هایی چون کتاب الایمان و درجاته و منازل و زیاده و نقصانه، کتاب الکفر و وجوه، کتاب الدلائل، کتاب الامامة، کتاب سيرة القائم (ع) و کتاب فضائل امیرالمؤمنین (ع) است. حسین بن محمد بن عامر اشعری این کتاب‌ها را از معلی روایت کرده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۴۷ / نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۱۸). علاوه بر نجاشی و طوسی، شیخ صدوق نیز با همین سند به کتاب‌های معلی دسترسی داشته است (ابن بابویه، ج ۴، ص ۵۳۷). تمام روایات معلی در کافی به واسطه حسین بن محمد بن عامر اشعری است. این روایات بالغ بر ۵۰۰ عدد است که ۱۵۴ روایت در جلد اول، ۷۰ روایت در جلد دوم، ۴۴ روایت در جلد سوم، ۶۰ روایت در جلد چهارم، ۶۲ روایت در جلد پنجم، ۹۲ روایت در جلد ششم، ۵۳ روایت در جلد هفتم و ۱۷ روایت در جلد هشتم است. کلینی در کتاب الحجه بیش از ۱۵۰ روایت از حسین بن محمد از معلی روایت می‌کند که احتمالاً بسیاری از آن‌ها از کتاب الامامة، کتاب الدلائل و کتاب فضائل

امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶). حدود ۱۰ روایت نیز در همین باب درباره امام زمان (ع) هست که احتمالاً از کتاب سیره القائم (ع) نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۶۸). کلینی در کتاب الایمان و الکفر بیش از ۸۰ روایت از حسین بن محمد از معلی روایت می‌کند که احتمالاً همه یا بسیاری از آنها از کتاب الایمان و درجاته نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۱۳، ۱۸، ۲۲، ۲۵، ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۶).

۲-۴- حوزه خراسان

کلینی از روایات حوزه خراسان به‌ویژه برخی راویان نیشابوری استفاده کرده است. یکی از این افراد ابوالحسن محمد بن اسماعیل نیشابوری ملقب به بندقر (درباره ضبط کلمه بندقر و معنای آن ر.ک: میرداماد، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰) یا بندقی در زمره مشایخ بی‌واسطه کلینی است که ۵۷۵ روایت از وی در کافی آمده است. وی معمولاً از فضل بن شاذان روایت می‌کند (محفوظ، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷/ حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲). کلینی از بعضی از راویان نیشابوری با یک یا دو واسطه روایت می‌کند اما تعداد این روایات در مجموع کم است (برای نمونه نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۸، ۱۰۲، ۳۳۲، ۴۵۴، ۵۲۳). در این بین اما نام فضل بن شاذان بیش از ۴۵۰ بار در اسناد روایات کافی به چشم می‌خورد.^۱

۳- منابع جریان‌های فکری گوناگون

کلینی در تدوین الکافی خود را به بهره‌گیری از منابع یک جریان فکری خاص محدود نکرده است و از منابع جریان‌های مختلف که از نظر او قابل اعتماد بوده، استفاده کرده است.

۳-۱- انتقاد شدگان از سوی مکتب قم

گروهی از محدثان از سوی محدثان مکتب قم مورد انتقاد شدید قرار گرفته و حتی از شهر قم اخراج شده‌اند. احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی را از جمله افرادی می‌توان نام برد که به سبب جایگاه رفیع مذهبی و اجتماعی خود در میان قمی‌ها و همچنین داشتن قدرت سیاسی

۱. این عدد در صورتی که به دست می‌آید که در جستجوی نرم‌افزاری عبارت فضل بن شاذان را به‌صورت کامل جستجو نماییم؛ اما در صورتی که صرفاً واژه فضل را جستجو کنیم تعداد موارد بیش از آنچه خواهد بود که گفتیم.

دست به چنین اقداماتی زده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۸۱). در دوره‌های بعد محمد بن حسن بن ولید از چهره‌های برجسته مکتب قم نظرات سخت‌گیرانه‌ای درباره رجال و راویان گرفت. به‌ویژه آنکه او با استثناء کردن عده‌ای از راویان کتاب مشهور نوادرالحکمه آن‌ها را ضعیف شمرد و روایات آن‌ها را غیر مقبول تلقی کرد (نجاشی، ۱۴۱۶، صص ۳۸۳ و ۳۴۸ / طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۲). برخی از این چهره‌ها که روایاتشان در کافی منعکس شده در زیر معرفی می‌شوند.

۱ - سهل بن زیاد آدمی رازی: احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را به غلو و دروغ‌گویی متهم و از شهر قم اخراج کرد. در نتیجه او به ری رفت و در آنجا ساکن شد (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۵ / همچنین نک: ابن غضائری، ۱۳۸۰، صص ۶۶ و ۱۲۵). ابن ولید روایات سهل را از کتاب نوادرالحکمه استثنا کرد و آن‌ها را نمی‌پذیرفت (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۴۸ / طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۲). چنان‌که گذشت کلینی بیش از ۱۵۰۰ روایت از وی نقل کرده است.

۲ - احمد بن محمد بن خالد برقی: وی از بزرگان قم و موثق است. او به مراسیل اعتماد کرد و از ضعف حدیث نقل کرد. به همین دلیل احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را از قم اخراج نمود. بعد از مدتی احمد بن محمد از او عذرخواهی کرد و او را به قم بازگرداند (ابن غضائری، ۱۳۸۰، ص ۳۹؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۶۹؛ نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۷۶). کلینی علاوه بر بهره‌گیری بسیار از روایات و کتاب المحاسن وی، در نام‌گذاری ابواب و کتاب‌های کافی نیز از وی تأثیر پذیرفته است (برای مقایسه ابواب کتاب الایمان و الکفر کافی با المحاسن ر.ک: حسین‌پوری، ۱۳۸۷، صص ۵۴-۶۰).

۳ - محمد بن عیسی بن عبید: شیخ صدوق از استادش ابن ولید نقل می‌کند که همه روایات یونس صحیح هستند مگر آنچه را محمد بن عیسی بن عبید، در نقل آن منفرد است. این موارد قابل اعتماد نیست و به آن فتوی نمی‌توان داد (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۶۶) اما این سند به صورت «علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی بن عبید از یونس» مورد اعتماد شیخ کلینی بوده و نزدیک به ۳۰۰ روایت در کافی از این طریق نقل شده است (برای مشاهده آمار این روایات نک: بروجرودی، ۱۴۱۴، صص ۲۴۸-۲۵۵).

۴ - محمد بن حسن صفار قمی: صفار قمی چهره‌ای مورد اعتماد در میان محدثان قم است. ابن ولید کتاب بصائر الدرجات او را که درباره فضایل و مناقب اهل بیت (ع) است، شاید از آن جهت که از نظر عده‌ای از بزرگان قم دارای مضامین غالیانه‌ای بود، روایت نمی‌کرد (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۵۴). کلینی علاوه بر نقل روایات بسیار از بصائر الدرجات صفار (برای نمونه قس: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۷ با صفار، ۱۳۶۲، ص ۵۰۶، ح ۱۳؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۸۰ با

صفار، ۱۳۶۲، ص ۵۰۷، ح ۲؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۹۸ با صفار، ۱۳۶۲، ص ۴۳۵، ح ۳ و ص ۴۳۶، ح ۱۰). در نام‌گذاری ابواب کتاب الحجّه و چینش روایات در این ابواب نیز به شدت از این کتاب تأثیر پذیرفته است (برای مقایسه بین ابواب کتاب الحجّه با بصائر ر.ک: حسین پوری، ۱۳۸۷، صص ۴۵-۳۹).

۲-۳. راویان متهم به غلو و تفویض

کلینی از مفضل بن عمر، محمد بن سنان، داوود بن کثیر (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۵۶/ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۵۱؛ ج ۲، صص ۷۱، ۸۰، ۳۴۵، ۳۸۳؛ ج ۶، ص ۳۰۰) و سایر راویان متهم به غلو روایاتی نقل کرده است.

۱- یونس بن ظبیان از جمله متهمین به غلو است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۸/ طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲، صص ۶۵۷-۶۵۸) که شیخ کلینی بیش از ۲۰ روایت از او نقل کرده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۰۶، ۳۰۹، ۳۸۷، ۴۰۹، ۴۶۱، ۴۷۴، ۵۳۷).

۲- علی بن حسان بن کثیر هاشمی غالی و ضعیف است. وی صاحب کتاب تفسیر الباطن است که هیچ نسبتی با اسلام ندارد (ابن غضائری، ۱۳۸۰، ص ۷۷). برخی روایات تفسیری (اثباتی و رستمی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۲-۱۱۴) و روایاتی درباره میثاق از علی بن حسان از عبدالرحمن بن کثیر در کافی نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۲۲، ح ۵۳).

۳- جابر بن یزید جعفری از اصحاب صادقین (ع) است که در سال ۱۵۰ از دنیا رفت (درباره وی و نسبت اختلاط به او نک: نجاشی، ۱۴۱۶، صص ۱۲۸-۱۲۹). کلینی از کتاب الصّٰفین (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، صص ۳۵۱ - ۳۶۰) کتاب مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۲۹۸ - ۲۹۹) و مقتل الحسین علیه السلام (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۴۵۲) و کتاب تفسیر جابر (اثباتی و رستمی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۵ - ۱۱۶) گزارش‌هایی را نقل کرده است (برای دیدن سایر بازمانده‌های این کتاب‌ها در منابع حدیثی و تاریخی نک: مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۰-۱۴۲).

۴- اسحاق بن محمد نخعی از سوی رجالیان به ضعف، تخلیط و غلو متهم شده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۷۳/ ابن غضائری، ۱۳۸۰، ص ۴۱/ طوسی، ۱۴۱۵، صص ۳۸۴/ طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۷۲، ۷۳، ۲۸۶، ۴۱۵؛ ج ۲، صص ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۳) کتاب اخبار السید او یکی از

مهم‌ترین منابع کلینی درباره امام حسن عسکری و امام زمان علیهما السلام است (اثباتی و طباطبایی، ۱۳۹۳، صص ۴۰-۴۲ / شبیری زنجانی، ۱۳۸۷، صص ۳۳-۱۴۷).

۵ - محمد بن سنان ظاهری از متهمان به غلو و تفویض است. فضل بن شاذان روایت کردن از او را جایز نمی‌داند. از جمله کتاب‌های محمد بن سنان می‌توان به کتاب الاظلة، النوادر، الطرائف و الوصیة اشاره کرد (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۲۸ / طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۹). شیخ طوسی از چند طریق به کتاب‌ها و روایات خالی از غلو و تخیل ابن سنان دسترسی دارد (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۹). روایاتی که شیخ کلینی درباره اشباح و ظل پیامبر و اهل بیت قبل از خلق مخلوقات و میثاق نقل می‌کند احتمالاً از کتاب الاظلة محمد بن سنان است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۴۲ و ۴۵۱). روایت هشتم باب التفویض الی رسول الله به صراحت بیان شده که از النوادر محمد بن سنان اخذ شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶۸). این کتاب در اختیار شاگرد کلینی، ابو غالب زراری نیز بوده است (ابو غالب زراری، ۱۳۹۹، ص ۷۴). شاید روایت‌های مربوط به تاریخ تولد و شهادت امام حسن تا امام جواد علیهم السلام که از ابن سنان نقل شده از کتاب‌های دیگر او مانند کتاب الوصیة یا کتاب الطرائف باشد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۶).

۵ - نجاشی مفضل را فاسد المذهب و در زمره پیروان ابوالخطاب می‌داند (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۱۶). کلینی چهره محبوبی از مفضل در کافی ارائه می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۳۲۰؛ ج ۲، صص ۹۲ و ۲۰۹). روایات او در همه مجلدات کافی یافت می‌شود و تعداد آن‌ها در اصول کافی نسبت به سایر بخش‌ها بیشتر است.^۱ از او در کافی روایاتی درباره زکات ظاهری و باطنی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۰۰)، عالم ذر و اظله (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۴۱-۴۴۲)، علوم اختصاصی امام (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۹۶، ۲۷۲، ۴۱۷، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۶۴) و غیبت (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۳) نقل شده است. کلینی روایتی درباره علت تحریم خمر در بابی با همین عنوان از مفضل روایت کرده است که احتمالاً از کتاب علل الشرایع اوست (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۴۲). کلینی در دو مورد تصریح می‌کند که روایاتی را از کتاب وصیت مفضل نقل کرده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۴۴، ج ۱ و ص ۴۰۰، ج ۸). در یک مورد نیز او بدون نام بردن از کتاب از آن نقل کرده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۱).

۱. بر اساس یک جستجوی ساده حدود ۱۰۰ روایت از مفضل در کافی به چشم می‌خورد.

وصیت مفضل به صورت متنی دو صفحه‌ای در تحف العقول و بحارالانوار نیز گزارش شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، صص ۵۱۳ - ۵۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، صص ۳۸۰ - ۳۸۳).

برخورد پیشینیان با میراث غالیان به گونه‌ای نبوده است که به صرف اتهام غلو تمام روایات و مکتوبات آن‌ها را به کناری نهند؛ بلکه آنان با رعایت احتیاط با روایات این افراد برخورد می‌کردند و در مواردی که به آن‌ها اعتماد می‌کردند از ایشان نقل می‌نمودند (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۷، صص ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۳). به عنوان نمونه شیخ طوسی در مواردی از کتاب *علل الشرایع* مفضل بن عمر استفاده کرده است (صفاخواه و طالعی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۲). همو چنان‌که گذشت در برخورد با روایات ابن سنان روایت‌های غیر غالیانه و خالی از تخیل او را گزارش کرده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۹). نجاشی به همین شکل درباره احمد بن محمد سیاری گزارش می‌کند. کتاب التکلیف شلمغانی نیز چون در زمان استقامت او نوشته شده است مورد اعتماد امامیه است البته شیخ طوسی یک روایت از این کتاب را استثنا کرده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۴). نجاشی کتاب‌های ابن اورمه را صحیح می‌داند جز کتاب تفسیر الباطن او که از نظر وی مختلط است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۲۹).

۳-۳. جریان هشام بن حکم

این گروه در میان اصحاب ائمه و به ویژه محدثان پیوسته در اقلیت قرار داشته است. علت اصلی این انزوا اتهام تجسیم است که به هشام بن حکم و وابستگان فکری او وارد شده است. مسائلی همچون قیاس در درجه بعدی باعث تمایز این گروه از اکثریت امامیه شده است. به نظر می‌رسد اشتغال به کلام و عقل‌گرایی را بتوان به عنوان یکی از وجوه تمایز این گروه با اکثریت امامیه به شمار آورد. هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن، فضل بن شاذان و شاگردانشان را باید در این گروه قرار داد.

افرادی مانند عباس بن محمد الوراق، محمد بن عیسی عبیدی بغدادی، محمد بن احمد بن مطهر بغدادی، یحیی بن عمران همدانی، حسین بن نعیم الصحاف، علی بن یقطین، ابوجعفر محمد بن خلیل سکاکی بغدادی، علی بن منصور بغدادی، حسن بن موسی نوبختی، محمد بن احمد بن جنید اسکافی، علی بن ابراهیم و پدرش ابراهیم بن هاشم را هم باید در همین گروه جای داد. تعبیر رجالیان درباره این شخصیت‌ها مانند «یونسی»، «من اصحاب یونس»، رابطه استاد و شاگردی بین آن‌ها و برخی دیدگاه‌های کلامی آن‌ها به ما کمک می‌کند تا این افراد را در یک

گروه قرار دهیم (درباره این جریان و وابستگان فکری و شاخصه‌های آن نک: گرامی، ۱۳۹۱، صص ۷۲-۸۴).

۱ - هشام بن حکم: نام وی بیش از ۱۰۰ بار در روایات کافی به چشم می‌خورد که بیش از ۳۰ مورد آن در جلد اول تکرار شده است. علاوه بر این برخی نظرات کلامی و فقهی وی در کافی انعکاس یافته است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۹۹-۱۰۰).

۲ - یونس بن عبدالرحمن: روایات یونس بن عبدالرحمن به وفور در کافی یافت می‌شود. شیخ کلینی تنها با سند «علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی بن عبید از یونس» نزدیک به ۳۰۰ روایت در کافی نقل کرده است (برای مشاهده آمار این روایات نک: بروجردی، ۱۴۱۴، صص ۲۴۸-۲۵۵). تفسیر یونس از جمله منابع کافی است (اثباتی و رستمی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱).

۳ - محمد بن عیسی بن عبید: از شاگردان یونس که ابن ولید منفردات او را نمی‌پذیرفت. فضل بن شاذان او را توثیق کرده است. چنان‌که گذشت سند «علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی بن عبید از یونس» نزدیک به ۳۰۰ بار در کافی تکرار شده است (بروجردی، ۱۴۱۴، صص ۲۴۸-۲۵۵).

۴ - فضل بن شاذان: نام او بیش از ۴۵۰ بار در اسناد روایات کافی به چشم می‌خورد.^۱

۵ - ابراهیم بن هاشم و فرزندش علی: بیشتر روایات یونس در کافی از طریق علی بن ابراهیم از پدرش از محمد بن عیسی بن عبید نقل شده است. روایات علی بن ابراهیم و پدرش بخش زیادی از کتاب کافی را به خود اختصاص داده است.

۳-۴. جریان هشام بن سالم

در رأس این گروه که اکثریت محدثان و علمای بزرگ امامیه را شامل می‌شود افرادی مانند هشام بن سالم جوالبقی، مؤمن الطاق، زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم، برید بن معاویه و بنظری قرار دارند. به نظر می‌رسد بیشتر فقها و متکلمان نص‌گرای عراقی را باید در این گروه قرارداد (گرامی، ۱۳۹۱، صص ۷۱-۱۱۳). اکثر محدثان قم را هم باید در این گروه جای داد. افرادی مانند سعد بن عبد الله اشعری، احمد بن محمد بن عیسی اشعری و ابن ولید از این دسته‌اند. غالب گزارش‌های رجال جرح یونس مربوط به قمی‌ها است (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲، صص ۵۶۱، ۷۸۷، ۷۸۸). سعد بن عبد الله اشعری کتاب الرد علی بن ابراهیم بن هاشم فی معنی هشام و یونس

۱. در صورتی که به صورت فضل بن شاذان جستجو شود اما اگر مواردی که به صورت فضل آمده است و منظور از آن فضل بن شاذان است اضافه شود، عدد بیشتری خواهد بود.

را در نقد جریان یونس و هواداران آن نوشته است. او علاوه بر این کتابی بانام مثالب هشام و یونس دارد (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۷۷). برخی از روایات جرح یونس و هشام بن حکم باواسطه احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی است (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲، صص ۵۶۱، ۷۸۷، ۷۸۸). یعقوب بن یزید انباری شدیدترین موضع‌گیری‌ها را علیه هشام دارد. او کتابی در طعن هشام و یونس نوشته است. وی استاد بسیاری از قمی‌ها مانند سعد بن عبد الله و حمیری بوده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۵۰).

کلینی از روایات این دسته نیز به‌وفور بهره برده است. نام هشام بن سالم بیش از ۳۰۰ بار در کافی آمد است که نزدیک به ۱۰۰ مورد آن در جلد اول و دوم است (برای نمونه نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۳۰، ۳۳، ۵۰، ۵۳، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۴۶، ۱۴۷). کتاب تفسیر وی از جمله منابع کافی است (اثباتی و رستمی، ۱۳۹۴، صص ۱۰۱ - ۱۰۲). نام زراره بیش از ۱۰۰۰ بار در کافی آمده که بیش از ۱۶۰ مورد در جلد اول و دوم تکرار شده است (برای نمونه نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۰، ۴۳، ۵۲، ۵۸، ۶۵، ۷۱، ۸۲). روایات احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن ادریس و سایر چهرهای برجسته این جریان نیز در کافی بسیار است.

کلینی در باب النهی عن الجسم و الصورة روایاتی را نقل کرده که در آن‌ها اتهام تجسیم به هشام بن حکم و اتهام صورت به هشام بن سالم نسبت داده شده است و امام این دو نظریه را رد کرده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۷).

۴. منابع اهل سنت

شیخ کلینی از برخی منابع حدیثی اهل سنت که مورد پذیرش و اعتماد بوده استفاده کرده است. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

۱- حفص بن غیاث (درباره تاریخ تولد و وفات او نک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۳۵/ مزی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۶۹/ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۹۶) فقیه کوفی اهل سنت و راوی حدیث است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۸، صص ۱۸۵-۱۹۶). وی صاحب کتابی مشتمل بر روایاتی از امام صادق (ع) است که نزدیک به ۱۷۰ روایت داشته است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۳۵). این کتاب از کتاب‌های مورد اعتماد و شایع بین امامیه است و وجود حدیث در این کتاب یکی از قرائن صحت و اعتبار حدیث نزد متقدمان به شمار می‌رود (شیخ بهایی، بی‌تا، ص ۲۶۹). بیش از ۳۰ روایت به‌طور مشخص از این کتاب در کافی آمده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۷۷، ۸۷، ۸۸).

۱۲۸، ۱۴۸، ۳۱۷، ۴۵۶؛ ج ۳، ص ۴۳۰؛ ج ۵، صص ۱۰، ۴۴؛ ج ۷، صص ۳۸۷، ۴۵۷؛ ج ۸، صص ۱۲۸ و ۱۴۳ - ۱۴۴؛ برای مشاهده سایر روایات او در منابع دیگر نک: مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳، صص ۲۸۸-۲۹۰).

۲- سفیان بن عیینه. وی از سال ۱۹۷ دچار فراموشی شد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۹، صص ۱۸۲-۱۸۳). او از عالمان حدیث اهل سنت است که نسخه‌ای از امام صادق (ع) روایت می‌کند (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۹۰). کلینی ۱۰ مورد از روایات این نسخه سفیان بن عیینه را نقل کرده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۵۰، ۴۰۶، ج ۲، ص ۱۶، ح ۴ و ۵، صص ۷۲، ۱۲۹، ۱۶۴، ۲۰۸، ۴۱۵؛ ج ۴، ص ۵۲۱).

نتیجه‌گیری

۱- شیخ کلینی روایات خود را از منابع حوزه‌های حدیثی قم، ری، خراسان و عراق اخذ کرده است. پس از مقایسه تعداد روایات اساتید بی‌واسطه کلینی به این نتیجه می‌توان رسید که بیش از ۷۸ درصد روایات به‌واسطه اساتید قمی، نزدیک ۱۲ درصد به‌واسطه اساتید رازی و نزدیک سه و نیم درصد هم باواسطه مشایخ عراق وارد کافی شده است.

۲- بسیاری از اساتید قمی شیخ کلینی واسطه انتقال میراث حدیثی کوفه و بصره به قم بوده‌اند و بخش اعظم روایات آن‌ها را باید مربوط به مدرسه کوفه و بصره دانست.

۲- شیخ کلینی با اینکه بسیاری از روایاتش را از مکتب قم و راویان قمی اخذ کرده است اما سخت‌گیری‌هایی که برخی از چهره‌های برجسته مکتب قم مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری درباره راویان داشته است را روا ندانسته و خود را ملزم به رعایت چارچوب‌های ارائه شده از سوی این مکتب ندانسته است. او که از اهالی ری بوده از منابع موجود در این شهر استفاده کرده است. هرچند برخی از این منابع از نگاه قمی‌ها یا بغدادی‌ها از اعتبار چندانی برخوردار نبوده‌اند.

۳- کلینی در مواجهه با جریان‌های فکری نیز خود را کاملاً ملزم ندانسته است که فقط از روایات یک جریان بهره ببرد. به همین سبب او روایتگر منابع هر دو جریان هشام بن سالم و هشام بن حکم است.

۴- کلینی در مواجهه با غالیان نیز به طرد تمام میراث متهمین به غلو نپرداخته است؛ بلکه از بخشی از میراث غالیان که از نگاه او خالی از غلو بوده، استفاده نیز کرده است.

۵- کلینی نگاهی هم به نقلیات اهل سنت از صادقین (ع) داشته و برخی روایات حفص بن غیاث و سفیان بن عیینه از امام صادق علیه‌السلام را نقل کرده است.

منابع و مأخذ

۱. ابن شعبه حرانی؛ *تحف العقول*؛ به کوشش: علی اکبر غفاری؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۲. ابن غضائری، احمد بن حسین؛ *رجال ابن غضائری*؛ به کوشش: سید محمد رضا جلالی؛ قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ ق - ۱۳۸۰ ش.
۳. ابوغالب زراری، احمد بن محمد؛ *رسالة في آل ائین*؛ بی جا: چاپخانه ربانی، ۱۳۹۹ ق.
۴. اثباتی، اسماعیل و رستمی، محمدحسن؛ «منابع تفسیری شیخ کلینی، حدیث پژوهی»؛ سال هفتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۹۴، ص ۹۹ - ۱۲۸.
۵. اثباتی، اسماعیل و طباطبایی سید کاظم؛ «جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کافی»؛ علوم حدیث، دوره ۱۹، شماره ۷۱، بهار ۹۳.
۶. بروجردی، سید حسین؛ «مشایخ کلینی»؛ ترجمه حسین طالعی؛ سفینه، سال پنجم شماره ۱۸ بهار ۸۷.
۷. بروجردی، سید حسین؛ *ترتیب اسانید کتاب الکافی*؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۴۱۴ ق.
۸. پاکتچی، احمد؛ *تاریخ حدیث*؛ به کوشش یحیی میرحسینی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹ ش.
۹. حسین پوری، امین؛ *کاوشی درباره تبویب الکافی*؛ مجموعه مقالات فارسی کنگره بین‌المللی تفه الاسلام کلینی، ج ۲، قم: دارالحديث، ۱۳۸۷.
۱۰. حمادی، عبدالرضا و طباطبایی، سید محمدکاظم؛ «الکافی و گفتمان حدیثی قم»؛ علوم حدیث، دوره ۱۷، شماره ۶۶، ۱۳۹۱.
۱۱. حمادی، عبدالرضا و حسینی، سید علیرضا؛ «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»؛ حدیث پژوهی، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۱۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ *تاریخ بغداد*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. شبیری زنجانی، محمدجواد؛ «منابع کافی»؛ کتاب ماه دین، شهریور ۱۳۸۷، شماره ۱۳۰ - ۱۳۱، ص ۲۸.
۱۴. شیخ بهایی، بهاء‌الدین محمد عاملی؛ *مشرق الشمسین*؛ قم: مکتبه بصیرتی، بی تا.
۱۵. صفا خواه، محمدحسین و طالعی، عبدالحسین؛ «پژوهشی در منابع و مستندات تهذیب الاحکام»؛ تهران: انتشارات ابرون، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. صفار، محمد بن حسن؛ *بصائر الدرجات*؛ به کوشش: حسن کوچه‌باغی؛ تهران: انتشارات اعلمی، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن؛ *اختیار معرفة الرجال*؛ به کوشش: میرداماد استرآبادی و سید مهدی رجائی؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ ق.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن؛ *الرجال*؛ به کوشش: جواد قیومی؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن؛ *الفهرست*؛ به کوشش: جواد قیومی؛ بی‌جا: نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ به کوشش: علی‌اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. گرامی، سید محمد هادی؛ *نخستین مناسبات فکری تشیع*؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ ش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: الوفاء، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م.
۲۳. مدرسی طباطبائی، سید حسین؛ *میراث مکتوب حدیث شیعه*؛ ترجمه رسول جعفریان و سید علی قرائی؛ قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. مزی، جمال‌الدین یوسف؛ *تهذیب الکمال*؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ ق.
۲۵. میرداماد، محمد باقر حسینی استرآبادی؛ *الرواشح السماویه*؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲-۱۳۸۰ ش.
۲۶. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی؛ *رجال النجاشی*؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.